تفویض دین به پیامبر و امام
از نظر آیت الله نمازی شاهرودی

محمّد علی باقی*

چکیده: یکی از شؤون مقام امامت و ولایت، تفویض امر دین و مقام امر و نهی و تشریع است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام اعطا شده است. دلایل علّامه نمازی شاهرودی برای اعطای تفویض دین چنین است:

ـ تفویض امر دین، امکان عقلی دارد و خداوند امور دین را به بندگان برگزیده و معصوم سپرده است.

ـ با استناد به آیات و روایات، تفویض امور دین به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام اثبات می‌شود.

ـ وجود ولایت تشریعی برای ائمه علیهم السلام همانند پیامبر صلی الله علیه و آله است که محدود به اموری است که موسّع باشند یعنی حکم الزامی الهی در آن موارد نیامده باشد. احکام صادره از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نشان دهندهٔ آفاق دیگری از مقام والای ولایت ائمه علیهم السلام می‌باشد. برخی احکام الهی فقط ابلاغی است که فریضه یا فرض الهی نامیده می‌شود. و برخی

*. محقّق و مدرّس حوزه علمیه قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

احکام نیز امر آنها به پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام واگذار شده است که همهٔ این احکام در شؤون ولایت تشریعی است.
کلیدواژه‌ها: نمازی شاهرودی، علی / آراء و نظریه‌ها / تفویض امر دین / ولایت / امامت / ولایت تشریعی / آیات / احادیث / مروارید، حسنعلی/احکام دین.

مقدمّه

طرح بحث بر اساس آیات و روایات، خداوند مقام امامت و ولایت را برای پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای بعد از آن حضرت قرار داده است. یکی از شؤون این منصب، تفویض امر دین و مقام امر و نهی و تشریع است. این مطلب از آیات و روایات موجود در تفسیر آن بزرگواران قابل استفاده و بررسی است. در این مختصر برآنیم تا ضمن استفاده از بیانات مرحوم علّامه شیخ علی نمازی شاهرودی گزارشی از ادلّهٔ موجود و مقدار دلالت آنها ارائه دهیم.

۱)امکان عقلی تفویض امر دین

به لحاظ عقلی ممکن است انسانها بعضی از امور تحت سلطهٔ خود را به شخصی واگذارند که از جهات مختلف به او اعتماد دارند.

علّامه نمازی با استناد به کلام امام حسن عسکری علیه‌السلام به تبیین مطلب در ضمن تشبیه موجود در روایت می‌پردازند. (رسالهٔ تفویض، ص ۱۲)

در این حدیث شریف پس از بیان اعتراض منافقان بر ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، کلامی از خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ بیان شده است:

«ای محمّد به آنان بگو: چگونه از آن امر وصایت و ولایت را انکار می‌کنید؟ او خداوند عظیم کریم و حکیم است که افرادی را از بین بندگانش پسندیده است و آنان را به بزرگداشتهایی مخصوص گردانیده، به خاطر آنکه از خوبی اطاعت و فرمان‌برداری آنان از دستوراتش باخبر بوده است، پس امور

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

بندگانش را به آنان واگذاشت و برای آنان ادارهٔ امور آفریدگانش را قرار داده و آنان را به تدبیر حکیمانه‌ای از سوی خود توفیق داد، آیا نمی‌بینید پادشاهان زمین را وقتی یکی از آنان از میان بندگانش خدمت‌گزاری را بپسندد و به خوبی فرمان‌برداریش در آنچه از امور حکومت به او سپرده، اطمینان حاصل کند، تمامی امور خارج از دربارش را به او می‌سپارد و در ادارهٔ امور لشکریان و مردمش به او اعتماد می‌کند، همین‌گونه است محمّد صلی الله علیه و آله در تدبیری که خدا به او عنایت کرده است و بعد از او علی علیه السلام است، همو که او را وصی و جانشین در اهلش داد، دین او را ادا می‌کند و وعده‌هایش را تحقّق می‌بخشد، دوستانش را کمک نموده، دربرابر دشمنانش می‌ایستد»

از این رو اگر خداوند امور دین را به بندگان برگزیدهٔ خود که تربیت نموده و به مقام عصمت رسیده‌اند بسپارد، از نظر عقلی اشکالی به وجود نخواهد آمد.

۲) ادلّهٔ تفویض امر دین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام

مرحوم نمازی در رسالهٔ تفویض،(ص ۳۰ ـ ۶۵) و مستدرک سفینة البحار(ج ۸، مادهٔ فَوَضَ، ص ۳۲۳ ـ ۳۳۳)ادلّهٔ نقلی موجود را بیان نموده‌اند که می‌توان آنان را به این صورت خلاصه نمود:

۱) آیاتی که بر امامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلالت دارد.

۲) روایاتی که بر تفویض امر دین به پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت می‌کند.

۳) روایاتی که بر تفویض امر دین به ائمّه علیهم السلام دلالت دارد.

۱ ـ ۲) آیات دال بر ولایت و امامت پیامبر صلی الله علیه و آله

از چندین آیهٔ قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که مقام امر و نهی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده شده است. در این مجال به دو آیه اشاره می‌کنیم:

۱) ﴿ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا﴾ (الحشر (۵۹) / ۷)

هر آنچه را پیامبر به شما بدهد (از فرمان و فیء) بگیرید و هر آنچه را نهی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

کند از آن دوری کنید.

از مقابلهٔ موجود بین "ما آتاکم" و "ما نهاکم" متوجّه می شویم که مراد از "ایتاء" در اینجا فرمان رسول خدا ﷺ است. با استفاده از اطلاق و عموم موجود می‌گوییم: باید در همهٔ آنچه پیامبر امر و نهی فرموده‌اند و به عنوان سنّت، تقنین نموده‌اند از جناب تبعیّت کامل صورت گیرد. در روایات فراوان، از این آیهٔ شریفه برای تفویض امر دین استفاده شده که در ادامه به بیان آن خواهیم رسید، ان شاءالله.

۲) ﴿من یطع الرسول فقد اطاع امر و من تولی فما ارسلناك علیهم حفیظا﴾

(نساء (۴) / ۸۰)

هرکس از رسول اطاعت کند، به یقین، از خدا اطاعت کرده است و هرکس رویگردان شود، ما تو را نگهبان آنان قرار نداده‌ایم.

از این آیهٔ شریفه فرمان خداوند به اطاعت نمودن از پیامبراکرم ﷺ استفاده می شود. بنابراین با فرمان‌برداری از پیامبر اکرم ﷺ ، فرمان خداوند به این اطاعت نیز امتثال شده است.

حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام در ضمن خطبه‌ای که به بیان مصیبت فقدان پیامبر اکرم ﷺ پرداخته‌اند؛ پس از بیان این آیهٔ شریفه می فرمایند:

﴿فقرن طاعته بطاعته و معصیته بمعصیته. فکان ذلک دلیلا علی ما فوّض إلیه و شاهدا له علی من اتبعه و عصاه، و بیّن ذلک فی غیر موضع من الکتاب العظیم. فقال تبارک وتعالی فی التحریص علی اتباعه و الترغیب فی تصدیقه و القبول بدعوته: قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم﴾ (آل عمران (۳) / ۳۱). **«فاتباعه ﷺ محبة الله و رضاه غفران الذنوب و کمال الفوز و وجوب الجنه...»** (کلینی، ج ۸، ص ۲۶)

پس طاعت خود را به اطاعت او و معصیت خود را به معصیت او قرین ساخت و این دلیل است بر آنچه بدو تفیض شده وگواه است بر هرکه از او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

پیروی نموده و یا نافرمانیش کرده است و این حقیقت را در آیات قرآن عظیم بیان کرده است، خداوند در مقام تشویق بر اطاعت از او و تصدیق ادّعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشاید. بنابراین پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی با خداست و خشنودی او موجب آمرزش گناهان و کمال رستگاری و ثبوت بهشت است.

از آیات فراوان دیگری می‌توان به تنهایی و یا با ضمیمهٔ روایات، وجوب اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به نحو موضوعی استفاده کرد، به این معنا که اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه فقط از جهت طریقیت کلام آن جناب از امر و نهی الهی است، بلکه خود این اطاعت از پیامبر اکرم در اوامر ونواهی آن جناب، موضوعیت دارد. در این مختصر فقط به فهرستی از آنان اشاره می‌کنیم:

آل عمران ۳۱ ـ ۳۲؛ نساء ۶۵؛ آل عمران ۱۳۳؛ انفال ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ مائده ۹۲؛ نور ۵۴ و ۵۶؛ احزاب ۷۱؛ مجادله ۱۴؛ محمد صلی الله علیه و آله ۲۳ و...

۲ - ۲) روایات دال بر واگذاری امر دین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در کتاب بصائرالدرجات نوزده روایت را دربارهٔ تفویض به رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است، هم‌چنین در کتاب کافی نیز در باب مشترکی که برای تفویض به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترتیب داده شده، به دوازده روایت اشاره شده است. ابتدا به گزارش اجمالی از مفاد آنها می‌پردازیم و سپس بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم.

۱ـ در پاره‌ای از روایات، ضمن بیان فرایندی از تربیت الهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و رسیدن به مقام خُلق عظیم آمده که امر تفویض را مرتبط بر آن نموده‌اند. (بصائرالدرجات، ص ۳۸۲ ـ ۳۷۸، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۶ و ۱۸؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۱ و ۴ و ۶)

۲ـ استناد به آیهٔ شریفهٔ ﴿**ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا**﴾ در بیشتر آنان دیده می‌شود. (بصائرالدرجات، ص ۳۸۲ ـ ۳۷۸، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و... و کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۰)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

۳ـ در دسته‌ای از این روایات، مواردی از تشریعات پیامبر اکرم ﷺ بیان شده‌اند. (بصائرالدرجات، ص ۳۸۲ ـ ۳۷۸، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹، کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷ ـ ۲۶۶، ح ۴ و ۶ و ۷)

۴ـ در گروهی از اخبار، حکمت این تفویض امتحان مردم در اطاعت بیان شده است **(لینظر کیف طاعتهم)** (صفار، ص ۳۷۸ - ۳۸۲، ح ۲، ۷، ۱۰؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۶۶ - ۲۶۷، ح ۳ و ح ۵)

مرحوم نمازی در دو کتاب: رسالهٔ تفویض و مستدرک سفینةالبحار، به بیان روایاتی از این کتابها می‌پردازد و عقیده دارد برخی از آنان به اتفاق علما؛ صحیح السند هستند (رساله تفویض، ص ۳۳؛ مستدرک سفینةالبحار، ج ۸، ص ۳۲۴)

یکی از این روایات را اسحاق بن عمار از امام صادق ﷺ نقل می‌کند که فرمودند:

إنَّ الله ادّب نبیه علی ادبه. فلما انتهی به إلی ماأراد قال له: انَّک لعلي خلق العظیم. ففوّض إلیه دینه فقال: ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا. و إن الله فرض في القرآن ولم یقسّم للجد شیئا و إن رسول الله ﷺ اطعمه السدس فاجاز الله له. و إنَّ الله حرم الخمر بعینها و حرم رسول الله ﷺ کل مسکر فاجاز أمر له ذلك. و ذلك قول الله: هذا عطاءنا فامنن اوامسک بغیر حساب .(بصائرالدرجات، ص ۳۷۹، ح ۴ و کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۶)

خداوند پیامبر خود را بر ادب تربیت کرد. پس آنگاه که پیامبر به آنچه مورد اراده خداوند بود رسیدند، به او فرمود: تو بر خلق عظیمی استوار گشته‌ای. پس دین خود را به او واگذار کرد و به او فرمود: هر آنچه پیامبر به شما فرمان دهد بگیرید و از هر آنچه نهی می‌کند بپرهیزید. خداوند در قرآن ارث را بیان کرد و برای جد چیزی قرار نداد در حالی‌که پیامبر اکرم ﷺ برای او یک ششم را (به عنوان طعمه) قرار داد، پس خداوند آن را برایش امضاء کرد. و خداوند خود خمر را حرام نمود و رسول خدا ﷺ هر مست‌کننده‌ای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

راتحریم کرد، که خداوند آن را برایش امضاء کرد. و این (مقام تفویض امر دین) همان کلام خداوند در این آیه است: «این بخشش ماست، پس آن را ببخش یا نگه دار»

۳ - ۲) روایات تفویض امر دین به ائمّه علیهم‌السلام

بر اساس تقسیم‌بندی مرحوم نمازی در رسالهٔ تفویض (ص ۴۳) ادلّهٔ مورد استفاده به دو دسته کلّی تقسیم می‌شوند:

الف) روایاتی که از ظاهر آنان به طور مستقیم تفویض امر دین به ائمّه استفاده می‌شود. درکتاب بصائر در باب مستقلی سیزده روایت در این زمینه بیان شده است، امّا درکتاب کافی به صورت مشترک با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در یک باب این روایات آمده‌اند.

علّت اشتراک آنان این است که در پاره‌ای از احادیث، تفویض برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام مشترکاً بیان شده است، مثلاً ابتدا تفویض امر دین به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان شده، آنگاه آمده است:

«فما فوض إلی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فقد فوضه إلینا» (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۵- ۲۶۸، ح ۲ و ح ۹ و صفار، ص ۳۸۳-۳۸۶، ح ۱ و ح ۶ و ح ۸).

«پس هر آنچه را خداوند به پیامبرش واگذار نموده به ما نیز واگذار کرده است».

با عطف ائمّه بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۸) این مطلب برای امامان نیز اثبات شده است.

در روایتی امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

لا و الله ما فوّض ألله إلی احد من خلقه الّا الی رسول الله و إلی الائمة، قال عزّوجّل: إنا انزلنا إلیك الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراك الله، و هی جاریه فی‌الاوصیاء (کلینی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۸ و صفّار، ص ۳۸۶، ح ۱۲)

نه به خدا سوگند! خدا امری را به خلقش واگذار نکرده مگر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام ؛ خدای عزوجل فرموده است. «ما این کتاب را به حق و درستی بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

تونازل کردیم تا به آنچه خدا ارائه داده حکم کنی». و این آیه دربارهٔ اوصیای پیامبر هم جاری است.

شایان ذکر است که علّامه نمازی با تتبّع و جامع‌نگری در روایات ابواب دیگر، موارد دیگری نیز افزوده‌اند که به برخی فهرست وار اشاره می‌کنیم:

۱) روایت موجود در توحید صدوق که در تفسیر آیهٔ شریفهٔ ﴿**کل شیء هالک الا وجهه**﴾ امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«إن الله واحد احد متوحد بالوحدانیّة، متفرد بأمره، خلق خلقا ففوّض إلیهم امر دینه فنحن هم یابن ابي یعفور ..» (ابن‌بابویه، ص ۱۵۲، ح ۹)

۲) کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ امیرالمومنین علیه‌السلام :

«إن الله توحّد بملکه فعرف انواره نفسه ثم فوّض إلیهم أمره و أباحهم جنّته» (هلالی، ج ۲، ص ۸۵۹)

۳) سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطبهٔ غدیر در وصف بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه:

«ألا انّه المفوّض إلیه ..» (احتجاج، ج ۱، ص ۶۴)

۴. در روایت میلاد امیرالمومنین علی علیه‌السلام هاتفی چنین مادرش را ندا داد:

«یا فاطمه سمیه علیاً فأنا العلیّ الأعلی انی خلقته من قدرتی و عزّ جلالی و قسط عدلی و اشتققت اسمه من اسمی و ادّبته بادبی و فوضت إلیه امری و وقفته علی غامض علمی» (مجلسی، ج ۳۵، ص ۳۵، ح ۳۷)

۵. در زیارت امیرالمومنین و ائمه علیهم‌السلام چنین آمده است:

«و فوّض الیکم الامور و جعل الیکم التدبیر» (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۳۴۴ و ج ۱۰۲، ص ۱۵۰)

۶. امام سجاد علیه‌السلام در حدیث مفصّل دربارهٔ معرفت ائمه علیهم‌السلام به نورانیت فرموده‌اند:

«اخترعنا من نور ذاته و فوض الینا امور عباده» (همان، ج ۲۶، ص ۸، ح ۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

۷. امام جواد (أبی جعفر الثانی)علیه‌السلام در روایتی نورانی چنین فرموده‌اند:

«إنَّ اللّهَ تبارك و تعالی لم یزل متفرِّداً بوحدَانیَّته ثمَّ خلق محـمَّداً و عـلیّاً و فاطمةَ فمكثُوا ألفَ دهْرٍ ثمَّ خلقَ جمیعَ الأشیاءِ فـأشهدهم خـلقها و أَجـری طاعتهم علیها و فوَّض أمُورها إلیهم فهم یحلُّون ما یشاءُون و یحرِّمون ما یشاءُون و لن یشاءُوا إلا أن یشاء اللّه تبارک و تعالی و جعل فیهم ما شاء و فوض امر الاشیاء الیهم فی الحکم والتصرف و الارشاد و الامر و النهی فی الخلق» (کلینی، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۵)

۳. بررسی حدود ولایت تشریعی

۱ـ۳) متابعت کامل معصومان از فرامین خداوند

آنچه از بیشتر ادلّـهٔ مـوجود اسـتفاده مـی‌شود، وجـود ولایت تشـریعی بـرای ائمّه‌علیهم‌السلام همانند پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله است. این مطلب به صورت مـطلق و مـجمل بـه دست می‌آید. آنچه در این مقام اهمیّت فراوان دارد، رابطهٔ مـوجود مـیان ولایت خداوند بر دین و در طول آن ولایت پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله و سپس ولایت ائمّه‌علیهم‌السلام است.

شکّی نیست که پیامبر اکرم و امامان‌علیهم‌السلام به هیچ وجه نسبت به امر و نهی الهی ذره‌ای عصیان و سرپیچی به خود راه نمی‌دهند؛ چه رسد به اینکه بـخواهـند در موردی که خدا فرمانی صادر کرده و در واقع دایرهٔ کاری را بسته است، برخـلاف دستور او، فرمانی صادر کنند.

در روایت شریفی که احمدبن حسن میثمی از امام رضاعلیه‌السلام در مورد بیان اختلاف روایات از ائمه بیان کرده است، حضرتش بر اطاعت و تبعیّت مـحض مـعصومان تأکید می‌کند. آنگاه به این نکته اشاره می‌کنند که اگر در سنّت پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله روایتی موجود باشد که مفاد آن تحلیل و تجویز کاری است که خدا آن را حرام نموده است، نمی‌توان به آن عمل نمود، زیرا رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز حرام و حلال الهی و فرائض او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

را تغییر نمی‌داد و در تمام آنها تابع و تسلیم محض خداوند بود و همان را ابـلاغ می‌کرد. (نک: عیون اخبارالرضاعلیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۰، ح ۴۵)

آنگاه نسبت به اِعمال ولایت امامان معصومعلیهم‌السلام هم بر این جهت تأکید می‌کنند که امامان، هرگز در مقابل امر و نهی رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله که به صورت حکم الزامی بیان شده باشد، حکم مخالف نمی‌دهند؛ بنابراین اگر حدیثی با این مفاد صادر شـده باشد قابل عمل نیست.[1] زیرا ائمّه به طور کامل تابع دسـتورات رسـول اکـرمصلی‌الله‌علیه‌وآله همانند فرامین خداوند متعال هستند.

۲ـ۳) ولایت تشریعی در امور موسّع

اگر در موضوعی خداوند متعال دستوری الزامی به صورت تحریم یا وجـوب داشته باشد، هرگز پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله برخلاف آن حکمی نخواهند داشت. بـنابرایـن اعمال ولایت تشریعی حضرت محدود به اموری است که موسّع باشند یعنی حکم الزامی الهی در آن موارد نیامده باشد.

ولایت ائمّهعلیهم‌السلام نیز در طول ولایت خداوند متعال و رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله است. آنان نیز حکمی بر خلاف احکام الزامی خداوند و پـیامبراکـرم نـخواهـند داشت و در اموری که توسعه دارند، این ولایت را اِعمال می‌کنند.

البته مطرح کردن این اعمال ولایت در حدود افعال با عناوین اولیّهٔ آنان است. یعنی کارهایی که به عنوان اولیه موسّع هستند، مورد ولایت قرار می‌گیرند. و اگر به عنوان اولی مضیق باشند یعنی از جانب خداوند یا رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله حکمی بر آنان آمده باشد، نوبت به ولایت امامانعلیهم‌السلام نمی‌رسد. بنابراین در امور مضیق مـنافات ندارد که چیزی به عنوان ثانوی ـ همچون اضطرار یا تقیّه ـ از حکم الزامـی خـود خارج شده و حکم دیگری پیدا کند. این تغییر حکم، ربطی به ولایت ائمّه ندارد.

۱. توضیح بیشتر متن روایت همراه با بیانات مرحوم میرزای اصفهانی در مقالهٔ ولایت تشریعی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله (سفینه، شماره ۳۲) بیان شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

حضرت امام رضا علیه‌السلام دراین‌باره می‌فرمایند:

«و لا نأمُر بخلافِ ما أمر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله إلّا لعلّة خوف ضرورة»

ما به خلاف آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله امر فرموده، امر نمی‌کنیم مگر به علّت ترس از خطری ضروری (مثل موارد تقیّه)

ضرورتی مثل تقیه عنوانی ثانوی است که محدود به حدّی نمی‌شود و شامل همهٔ احکام الهی می‌شود و از محلّ بحث ما خارج است.

۴. احکام اسلام از منظر ولایت اولیاء الهی

پس از روشن شدن حدود ولایت تشریعی، بررسی احکام صادر شده از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام می‌تواند نشان‌دهندهٔ آفاق دیگری از مقام والای ولایت ائمّه علیهم‌السلام باشد و معرفت بیشتری از اولیای دین ببخشد. در این قسمت با استفاده از تحقیقات آیت الله حسینعلی مروارید دراین باب مطلب را پی می‌گیریم.

۱ ـ ۴) تقسیم‌بندی کلّی دین مقدّس اسلام

مرحوم آیت الله مروارید دربارهٔ احکام موجود می‌فرمایند:

إنَّ الَّذی یَظهر مِن مجموع الرواياتِ المباركات أنَّ الاحكام الصادرة منهم لبيان وظايف الناس على قسمين:

القسم الاول: احكام فرضها الله تعالى و كان شأن النبي و الائمة علیهم‌السلام إبلاغها إمّا بنحو كلّي او بصورة الحكم الجزئيّ الّذي يشمله الحكم الكليّ الصادر من الله تعالى؛ و يعبّر عن تلك الاحكام بالفريضة أو بفرض الله. و هذا يعمّ الواجبات و المحرّمات بل و غيرهما، فإن كل حكم شرعه الله تعالى و عيّنه ـ تكليفيّاً كان أو وضعيّاً ـ فهو فريضة منه تعالى و إن كان الشايع استعمالها فی الواجبات.

القسم الثانی: احكام فوّض أمرها إلى النبي صلی‌الله‌علیه‌وآله و جعل له الولاية عليها، و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

هذا على ثلاثة اقسام كلّها من شؤون الولاية التشريعيّه التى جعلها الله للنبى صلى الله عليه و آله بلا اشكال و الائمة عليهم السلام ايضاً طبق ظاهر بعض الروايات.

آنچه از تمامی روایات مبارک ظاهر می‌شود، این است که احکام صادر شده از آنان: برای بیان وظایف مردم بر دو دسته است:

دستهٔ اول: احکامی که خداوند قرار داده است وکار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام رساندن آنها به مردم است. (و این ابلاغ) به نحو کلّی یا به صورت یک حکم جزئی که حکم کلّی الهی آن را در بردارد انجام می‌شود. و این احکام "فریضه" یا "فرض الله" نامیده می‌شود و شامل همهٔ واجبات و محرّمات بلکه غیر آنها نیز می‌شود، زیرا هر حکم تکلیفی یا وضعی که خداوند آن را قرار داده است، فریضه‌ای از جانب او خواهد بود اگر چه استعمال شایع فریضه در "واجبات" است.

دستهٔ دوم: احکامی است که خداوند امر آنها را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفویض و واگذار کرده است و این احکام خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که همگی از شؤون ولایت تشریعی است که بدون شک خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است و همین ولایت بر اساس ظواهر گروهی از روایات برای ائمّه علیهم السلام نیز قرار داده شده است.

۲-۴) شوون ولایت تشریعی معصومان علیهم السلام

ایشان در ادامهٔ مطلب، احکام صادر شده از ناحیه پیامبراکرم و ائمه علیهم السلام را چنین تقسیم‌بندی می‌کنند:

الاول: تشريع الحكم الدائم و موضوعه مالم يشرع الله فيه حكماً؛ فإنه الّذي فوّض الله الى النبي صلى الله عليه و آله و عبّر عنه تارة بالسنّه و أُخرى بفرض النبي صلى الله عليه و آله و هذا ثابت للنّبي كما سيأتي ان شاء الله

الثاني: تشريع الحكم الموقت لمصالح وقتيّة و هذا ثابت للنّبي كما في نهيه عن أكل لحم الحمر الأهليّه في بعض الغزوات. و ظاهر بعض الرويات ثبوته للأئمّة أيضاً كما روي في جعل على عليه السلام الزكاة علي الخيل العِتاق و ايجاب الامام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

الجواد عليه السلام الخُمس علي عدة من اصحابه من بعض اموالهم الزكويّة علی إشكال في أنّ هذا قسم مستقلّ أو مندرج في القسم الآتي و لعلّه الأقرب.

الثالث: الاوامر و النواهي أو ما يؤدّي مؤدّاهما الصادرة منهم من غير تصريح بالوجوب أو التحريم علي نحو العموم او الخصوص و المعاريض و التورية من غير كذب و إبراز الحكم الغير الالزاميّ بصورة الإلزام تربية أو تقيّة. و هذا ثابت للنبي و الائمّه عليهم السلام بلا اشكال. (تبيهات حول المبدا و المعاد)

دستهٔ اول: قرار دادن حکم دائمی در شرع است و موضوع این تشریع در جایی است که خداوند متعال حکمی در آن مورد تشریع نکرده باشد، این حکمی است که امر آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفویض شده است و از آن گاهی به "سنّت" و گاه به "فرض النبی" تعبیر می‌شود و این نوع حکم کردن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ـ آنگونه که می‌آید ـ ثابت است.

دستهٔ دوم: قرار دادن احکام موقّت بر اساس مصالحی که در زمانهایی وجود دارند. این نوع بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت است همان‌گونه که در بعضی از جنگها، از خوردن گوشت الاغهای اهلی نهی فرمود، از ظاهر بعضی روایات ثبوت این حکم برای ائمّه نیز استفاده می‌شود مثل قرار دادن زکات (کلینی، ج ۳، ص ۵۳۰، ح ۱) بر روی اسبهای اصیل از سوی حضرت علی علیه السلام و واجب نمودن امام جواد علیه السلام خمس را در بعضی از اموال زکات‌دار برای بعضی از اصحابشان (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۱، ح ۱۲۵۸۳) روایت شده است. البته در اینکه این قسم مستقل است یا از موارد دستهٔ سوم حساب می‌شود، تردید وجود دارد و شاید ملحق کردن به دستهٔ سوم بهتر باشد.

دستهٔ سوم: امرها ونهی‌ها و هر آنچه نتیجهٔ امر و نهی را بدهد که از ائمّه علیهم السلام صادر شده و در آنها تصریح به وجوب یا حرمت نشده است که به صورت عمومی یا شخصی همراه با معاریض (و مفاهیم و کنایات) و توریه بدون دروغ‌گویی (در بیان احکام) بیان شده‌اند و همین‌طور ظاهر نمودن حکمی که در واقع الزامی نیست به گونهٔ الزام به خاطر تربیت یا تقیّه. همگی این موارد بدون شک و شبهه بر پیامبراکرم صلی الله علیه و آله ثابت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]

به نظر می‌رسد با وجود مقام تشریع حکم دائمی برای ائمه علیهم‌السلام، امّا به لحاظ ظواهر ادلّهٔ احکام، اثبات وقوع آن و تشریع شدن حکم دائمی از سوی آنان همانند پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشکل است. از این جهت مرحوم آیت الله مروارید در دستهٔ اول، آن را به پیامبر اکرم اختصاص دادند. در مقابل چیزی که می‌توان آن را به طور مفصّل و گسترده در احکام و فتواهای ائمّه علیهم‌السلام مورد کاوش قرار داد، گروه سوم است که بیان آن و کیفیت جریان آن مجال گسترده‌ای می‌طلبد.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمّدبن علی. **التوحید**. تحقیق: سیّد هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعهٔ مدرّسین.

۲. صفّار، محمّدبن حسن. **بصائر الدرجات**. تحقیق: محسن‌بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مکتبة آیت الله مرعشی نجفی.

۳. طبرسی، احمدبن علی. **الاحتجاج**.

۴. کلینی، محمّدبن یعقوب. **الکافی**. تحقیق: علی‌اکبر غفّاری و محمّد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۵. مجلسی، محمّد باقر. **بحارالانوار**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۶. نمازی شاهرودی، علی. **رسالهٔ تفویض**.

۷. ـــــــــــ. **مستدرک سفینة البحار**. تحقیق: شیخ حسن نمازی، قم: جامعهٔ مدرّسین.

۸. هلالی، سلیم‌بن قیس. **کتاب سلیم‌بن قیس**. تحقیق: محمّد انصاری زنجانی، قم: الهادی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.9.6]